

"بخش دوم"
ماتریالیسم تاریخی

آغاز آشنائی با فرماسیون های اجتماعی

امیر نیک آئین

فصل- پنجم تئوری مارکسیستی لنینیستی پایه و روبنا

درس 58- فرماسیون های اجتماعی- اقتصادی

با کمک مقولات بسیار مهمی چون "نیروهای مولده" و "مناسبات تولیدی" و "شیوه تولید" و "پایه و روبنا" و قوانین مهمی چون قانون "تطابق مناسبات تولید با خصلت نیروهای مولده" و قانون "نقش تعیین کننده و قاطع شیوه تولید در تکامل اجتماع و روند تاریخ بشری" که آموخته ایم اینک می توانیم با تئوری مارکسیستی لنینیستی "فرماسیون های اجتماعی- اقتصادی" آشنا شویم.

این تئوری پله های اساسی تاریخ بشری را روشن می کند، یک مرحله را از مراحل دیگر تمیز می دهد و چگونگی تسلسل جوامع بشری را بیان می کند.

(1)

فرماسیون یا صورت بندی اجتماعی- اقتصادی عبارت است از یک مرحله در تکامل تاریخ بشر که بویژه با نظام اقتصادی معین تاریخی و روبنای مناسب با آن مشخص می گردد. مقوله "صورت بندی یا فرماسیون اجتماعی- اقتصادی" (هر جا که به اختصار کلمه فرماسیون یا صورت بندی را بکار بردیم مقصودمان همین مقوله است) یک مفهوم همه جانبه است که نظام اجتماعی معین تاریخی، بر شالوده شیوه تولید معین و روبنای متناسب با آن را در برمی گیرد.

این یک ارگانیزم تمام عیار اجتماع بشری است که دارای قوانین خاص زایش، گسترش و عملکرد است. مقوله فرماسیون اجتماعی- اقتصادی نوع یا ساخت یا تیپ تاریخی جامعه را بیان می دارد که بر شیوه معین و مشخص تولید متکی است و همراه با روبنای مربوطه و دیگر عناصر اجتماعی و انسانی مربوطه یک مرحله، یک پله معین را در روند تکاملی و جلو رونده تاریخ بشری تشکیل می دهد.

ما بر روی محتوی همه جانبه این مقوله تکیه می کنیم زیرا که درک این همه جانبه گی و منحصر نکردن فرماسیون تنها به یک عنصر متشکله آن و پی بردن به مضمون غنی و پر بار مقوله فرماسیون، اهمیت درجه اول برای بررسی مادی تاریخ دارد.

در تاریخ بشر بطور عمده و به شکل کلاسیک پنج فرماسیون یکی جای دیگری را گرفته است. این ها عبارتند از:

1) کمون اولیه یا جامعه اشتراکی بدوی،

2) برده داری،

3) فئودالیسم،

4) سرمایه داری،

5) کمونیسم.

(2)

نکاتی پیرامون محتوی این مقوله - در هر فرماسیون معین:
- نیروهای مولده شالوده مادی و فنی آن جامعه را تشکیل می دهد،
- مناسبات تولیدی ساخت اقتصادی آن را بنا می نهد،
- کلیه اندیشه ها و نهادها، ایدئولوژی ها و موسساتی که بر آن پایه بنا می شود، روبنای آن جامعه را می سازد،
- و بالاخره آن جامعه با عناصری چون زبان و شکل معین سازمان خانواده و گروه های قومی و انسانی مشخص،
همراه است. همه این عوامل با یکدیگر در ارتباط درونی اند، با یک دیگر وحدت دیالکتیکی دارند و بر هم تاثیر می گذارند.

"فرماسیون اجتماعی- اقتصادی" یک پله یا مرحله در تکامل تاریخ بوده و به تمام این عناصر، به همه این اجزا متشکله در مجموع نظر دارد و نباید آن را- چنانکه در برخی درس نامه ها و مقالات نوشته شده- به شیوه تولید منحصر نمود اگر چه شیوه تولید شالوده و اساس آن است.

هر فرماسیون بر پایه شیوه معین تولید که ویژه آن است، پدید می شود. شاخص این شیوه تولید، سطح معین تسلط انسان بر طبیعت، درجه تکامل نیروهای مولده، و مناسبات تولیدی ویژه ایست که خود مبنای تشکل انواع دیگر مناسبات اجتماعی است.
هر فرماسیون، دارای یک ساخت و نظام معین از نظر شیوه تولید مربوطه، پایه مادی و روبنای آن، ساخت طبقاتی، تجمع اتنیک یا قومی و انسانی و دیگر شاخص های تاریخ تکامل بشری است.

مارکسیسم که برای نخستین بار در علوم فلسفی و اجتماعی مقوله "صورت بندی اجتماعی- اقتصادی" را بیان کرده، کلیه این عناصر را جزئی از محتوی غنی و همه جانبه آن می شمرد و به نقش هر یک و تاثیر متقابل و عمل یکایک آنها بر شالوده شیوه تولید تکیه می کند.
بنابر این "فرماسیون اجتماعی- اقتصادی" یک سیستم متحرک و متحول، یک مجموعه دینامیک و یگانه از روند ها و ارتباطات مادی و معنوی است که در میان آنها جای اساسی و قاطع را مناسبات تولیدی که خود زائیده سطح معین از تکامل نیروهای مولده است و به نوبه خود زاینده روبنای ویژه ای با تمام اجزاء آن است اشغال می کند.

(3)

درباره اهمیت این مقوله - "صورت بندی اجتماعی- اقتصادی" یکی از مفاهیم بنیادی ماتریالیسم تاریخی و بیانگر مراحل معین پیشرونده تکامل جامعه است. این مقوله کلید بررسی تاریخ، سنگ بنای درک مادی تاریخ است و به کمک آن می توان خصلت قانونمند روندهای تاریخی را درک کرد، این مقوله به ما امکان می دهد که به جای آن که به بحث پیرامون "جامعه بطور کلی" بپردازیم، وقایع تاریخی را بطور مشخص و علمی، در چارچوب هر صورت بندی مشخص بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم. این مقوله به ما امکان می دهد که به آنچه عام و مشترک در جوامع مختلف بشری، در کشورهای مختلف، در تاریخ و سرنوشت خلق های گوناگون است، دست یابیم وجوه اشتراک و عوامل مکرر و وجود روابط علت و معلولی مشابه در سرزمین ها و تواریخ مختلف را علیرغم فواصل جغرافیائی و ویژگی های تاریخی هر یک درک کنیم و به راز قانونمندی در تاریخ و جامعه پی ببریم. با این تئوری ما می توانیم در بررسی های علمی خود محک ها و معیارهای مشترک و علمی را بکار ببریم و بعلت وجودی تکرارها و تشابهات که همانا وجود قوانین عینی برای تکامل روندهای اجتماعیست واقف شویم نه آنکه آنها را نشانی از یک نیروی مافوق بشر و ماوراء طبیعت و

اجتماع یا ثمره بازی اتفاقات و بوالهوسی های احتمالات بدانیم. با تکیه به مقوله "صورت بندی اجتماعی- اقتصادی" و درک محتوی عمیق و همه جانبه آن ما می توانیم به بی پایگی نظر کسانی که منکر علم در تاریخ می شوند و ذهنی گری را در بررسی تاریخ ملل و کشورها، جانشین بررسی عوامل عینی و برخورد علمی می کنند، پی ببریم. مقوله فرماسیون اجتماعی- اقتصادی به ما کمک می کند جامعه بشری را در هر یک از مراحل تکامل خویش، نه به مثابه یک مجموعه آشفته و جداگانه عناصر گونا گون بلکه همچو یک ارگانیسم اجتماعی یگانه و زنده و پویا که دارای وحدت درونی و بنیادی است و اجزاء آن بر هم دارای تاثیر متقابل هستند، درک کنیم.

(4)

برای درک عمیق تر مضمون تئوری مارکسیستی لنینیستی "فرماسیون اجتماعی- اقتصادی" و قبل از بحث پیرامون هر یک از آنها، توجه به نکات زیرین ضرور است:

1) فرماسیون ها از یک سو دارای قوانین عام هستند که مربوط به همه آنهاست و در مورد همه جاری و صادق است. مثل قانون "تطابق مناسبات تولیدی با خصلت نیروهای مولده"، از سوی دیگر قوانین دیگری نیز هست که مربوط به چند فرماسیون می شود، مثلا "قانون مبارزه طبقاتی" مربوط به جوامع منقسم به طبقات متخاصم، و بالاخره قوانینی نیز هست تنها ویژه یک فرماسیون مثل قانون بحران اضافه تولید سرمایه داری یا قانون تکامل طبق برنامه برای سوسیالیسم.

در هر فرماسیون هم قوانین خود آن صورت بندی که بیانگر ویژگی های مشخص آن است عمل می کنند و هم قوانین مشترک و عام همه فرماسیون ها یا یک گروه معین از فرماسیون ها که با فرماسیون مورد بحث دارای وجوه مشترک هستند.

2) شکل فرماسیون ها و راه و آهنگ تکامل آنها در سراسر جهان یکسان نیست و باید شرایط ویژه را در نظر داشت، حتی این که مثلا در مناطق بیابانی و بی آب آسیا و آفریقا تکامل فرماسیون ها اگر چه از نظر سرشت یکسان مانده ولی از جهت شکل بروز و آهنگ تکامل دارای ویژگی های زیاد است.

3) جامعه بشری در مجموع خود از مراحل مختلف پنج گانه ای که نام بردیم می گذارد و نمی توانید از این مراحل یعنی فرماسیون ها به جهد. اما یک جامعه مشخص در این یا آن سرزمین، به این یا آن علت می تواند یک فرماسیون را به اصطلاح "ظرفه زند"، یعنی بدون طی یک مرحله، به پایه بالاتر گام نهد؛ مثلا جامعه کنونی ایالت متحده تاریخ خود را بدون فنودالیسم آغاز کرد و مغولستان دوران سرمایه داری را از سر نگذرانده و مستقیما از شکل ما قبل سرمایه داری به سوسیالیسم رفت. مفهوم راه رشد غیر سرمایه داری که اکنون جلوی برخی از کشورهای آسیا و آفریقا قرار گرفته عبارتست از احتراز و نه پیمودن تمامی راه دردناک و تکامل سرمایه داری و گشودن طرق جدید و سمت گیری مبتکرانه ای که تعالی جامعه را به سوی سوسیالیسم امکان پذیر سازد. این به معنای آنست که لازم نیست حتما تمام عناصر سرمایه داری به نضج کامل برسد و راه کلاسیک کشورهای اروپائی طی شود.

در تاریخ گذشته نیز پشت سر گذاشتن کمون اولیه همه جا به معنای گذار ابتدا به برده داری و سپس به فنودالیسم نبوده، بلکه برای بسیاری از خلق ها، شاخص عبارتست از نپیمودن و ظرفه زند مرحله برده داری و سیر این دوران به شکل جنبی و فرعی. اصولا باید توجه داشت که قوانین اجتماعی همیشه در تمام عرصه ها به اشکال مختلفی بروز می کنند و عمل قوانین غالبا به صورت گرایش مسلط در می آید.

4) بین هر فرماسیون از سوئی و سطح نیروهای مولده و تکنیک مورد استفاده از سوی دیگر البته بطور کلی ارتباط هست کما اینکه مثلا نه سوسیالیسم با خیش چوبی می خواند، نه سرمایه داری با آسیاب بادی، نه برده داری با صنایع اتمی جور در می آید و نه فئودالیسم با شمارگرهای الکترونیک. اما این رابطه را باید بطور کلی و در معنای دیالکتیکی آن درک کرد نه بطور متحجر. مثلا تکنیک مشابهی در سطح مشابه یا واحد می تواند، اگرچه با کامیابی کم یا بیش، در نظامات مختلف بکار رود و در فرماسیون های مختلف وجود داشته باشد، مثل تکنیک همانند کنونی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و در جوامع سوسیالیستی.

5) هر فرماسیون، کلیه عناصر مثبت و قابل زیست فرماسیون قبلی را به ارث می گیرد و در خود نگه داشته و جذب می کند، گذار به فرماسیون بالاتر یک نفی دیالکتیکی است. این گذار یک تحول انقلابی است، همه جانبه است و در جوامعی که متکی بر وجود طبقات متخاصم است توسط انقلاب اجتماعی انجام می گیرد.